مرگ شهردار منطقه ۵ شیراز بر اثر حادثه بوده است

آخرین تحقیقات صورت گرفته پرونده شهردار منطقه ۵ شیراز فرضیه قتل را منتفی اعلام کرده‌است.

افشین محمدی دره شوری، سرپرست دادسرای امور جنایی شیراز گفت که بررسی‌های قضایی و پلیسی و همچنین گزارش پزشکی قانونی و بازجویی از مظنون پرونده، فرضیه قتل شهردار منطقه ۵ شیراز را منتفی کرده‌است. وی در توضیح بیشتر گفت: بررسی صحنه جرم نشان داد وضعیت خانه به هم ریخته است، گلدان بزرگ و سنگین وزن کنار پنجره سالن سقوط کرده و میله آهنی نگهدارنده گل به پهلوی راست بدن وی فرو رفته و جراحتی عمیق به طول تقریبی ۴۷ سانتی‌متر و قطر تقریبی یک سانتی‌متر به سمت بالا ایجاد کرده و مرگ او را منجر شده‌است.

وی ادامه داد: زمان وقوع حادثه با تماس‌های مظنون پرونده با اورژانس و پلیس هم مطابقت دارد و گفته‌های مظنون پرونده هم نظریه وقوع قتل را رد کرده و فرو رفتن میلگرد نگهدارنده گل در بدن وی را تقویت می‌کند.

براساس این گزارش پرونده مرگ رضا مسعودی، شهردار منطقه ۵ شهرداری شیراز حوالی ساعت ۱۴:۳۵ ۲۳ اردیبهشت به جریان افتاد. گمانه‌زنی‌های اولیه پلیس حکایت از قتل داشت، اما در بررسی‌های بیشتر فرضیه قتل منتفی شد. با این حال، ابهام‌های بسیاری درباره فرد مظنون در این‌باره مطرح است.

بازداشت سارقان با شلیک پلیس

سه مجرم سابقه‌دار در جریان تعقیب و گریز با پلیس آگاهی تهران بازداشت شدند.

سردار علی ولی‌پور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: مأموران پلیس آگاهی تهران بزرگ در حال گشت‌زنی در خیابان آزادی به یک دستگاه خودروی سواری پژو ۴۰۵ مشکی رنگ با سه سرنشین مشکوک و متوجه شدند خودرو سرقتی است، برای همین به راننده فرمان ایست دادند. راننده اما پس از مشاهده پلیس به صورت خطرناکی با فشار روی پدال گاز از محل دور شد و با رانندگی دیوانه‌واری وارد یکی از اتوبان‌های محدوده جنوب غرب تهران شد.

مأموران نیز اقدام به تعقیب این خودرو کردند. راننده سواری پژو در مسیر خود به خودروهای پارک‌شده شهروندان خساراتی را وارد کرد و با توجه به شلوغی مسیر این تعقیب و گریز چند کیلومتری به سمت جنوب تهران ادامه پیدا کرد. تا اینکه با رعایت قانون به کارگیری سلاح اقدام به شلیک تیر هوایی و سپس اقدام به شلیک تیر به سمت لاستیک عقب خودرو و آن را متوقف و هر سه متهم را بازداشت کردند. بررسی‌های پلیس نشان داد که هر سه متهم از مجرمان سابقه‌دار هستند که قبلاً هم به اتهام سرقت بازداشت شده‌بودند.

۵ کشته و زخمی در حمله مهاجمان به خودروی حمل زندانی

حمله مهاجمان به خودروی حامل زندانیان در فرانسه، مرگ سه مأمور و زخمی شدن دو نفر دیگر و فراری شدن فرد زندانی را به همراه داشت.

رسانه‌های فرانسه گزارش دادند در جریان حمله مسلحانه یک باند جنایتکار به ون حامل زندانی در شهر اور در شمال فرانسه، سه افسر اداره زندان کشته و دو افسر دیگر زخمی شدند. به گفته رسانه‌ها داخل ون یک زندانی بوده که در حال حاضر فراری است.

زندانی فراری در حالی گریخته که از جلسه دادگاه به زندان بازگردانده می‌شد. خبرگزاری فرانسه می‌گوید مهاجمان با دو خودرو به خودروی حمل زندانی حمله کردند. به دستور وزیر کشور فرانسه صدها پلیس و ژاندارم برای دستگیری افراد مسلح مهاجم و نیز زندانی فراری در بزرگراه‌های فرانسه به کار گرفته شده‌اند. لاشه سوخته خودرویی که مهاجمان برای حمله استفاده کردند در محل دیگری یافت شده است.

چرا مسئولان فریاد پلیس را نمی‌شنوند؟!

هر چه فریاد می‌زنیم خودروها باید ایمن باشد اتفاقی نمی‌افتد

■ **حسین فصیحی**

فرمانده پلیس راهور فراجا بار دیگر کیفیت پایین خودروهای تولید داخل را که نقش پررنگی در بروز سوانح مرگبار رانندگی دارند، به باد انتقاد گرفت و گفت هرچه فریاد می‌زنیم خودروها باید ایمن باشد، اتفاقی رخ نمی‌دهد.

انتقاد درست پلیس از عملکرد مدیرانی که در چرخه تولید خودرو دخالت دارند، نه‌تنها منجر به افزایش کیفیت این محصولات نمی‌شود، بلکه این محصولات با بهایی کلان‌تر، کیفیتی پایین‌تر و با منتی بیشتر به ملت قالب می‌شود. مرگ جمعی شهروندان در سوانح رانندگی، از مهم‌ترین سیاست‌های کاهش جمعیت کشور است که باعث‌شده بخشی مهم از جمعیت جوان و کار کشور را یا از چرخه زندگی خارج کند یا روی صندلی چرخدار بنشاند تا هزینه‌های آن روی دوش دولت و خانواده‌ها سنگینی کند. مرگ سالانه ۱۷ هزار کشته و معلول و مجروح‌شدن ۳۱۰ هزار نفر برای کشوری که با بحران کاهش جمعیت مواجه است و قادر به حفظ جمعیت موجود نیست، فاجعه‌بار است آن وقت سیاست افزایش نرخ جمعیت کشور را با صرف بودجه‌های کلان در پیش گرفته می‌شود.

■ **تعارض منافع**

آن‌گونه که پلیس تأکید دارد، مرگ هر شهروند در سوانح رانندگی ۸/۳ میلیارد تومان به کشور خسارت می‌زند. با در نظر گرفتن این موضوع روشن می‌شود جلوگیری از کاهش این مقدار تلفات جاده‌ای امری دشوار نیست، اما پاسخ به این پرسش که چرا این چرخه مدیریتی حاضر به تمکین از این موضوع نیستند را باید در تعارض منافع جست‌وجو کرد. در مقام حرف و عمل، پلیس مهم‌ترین بازوی تأمین امنیت جامعه محسوب می‌شود که تضییع حرفش می‌تواند به تضییع حقوق شهروندی منجر شود. اینکه چرخه مدیریتی مورد اشاره حاضر نیست برای حفظ جان مردم از درخواست پلیس تبعیت کند، تضییع پلیس به دست بخش مهمی از چرخه قانونی است و زمانی که عملکرد پلیس از سوی نهادهای قانونی تضییع شود و حرفش شنیده نشود، نمی‌توان انتظار داشت منزلت پلیس در بدنه اجتماعی محفوظ بماند.

حسین ظهروند | تسنیم

■ **بی‌حسی به مرگ انسان‌ها!**

روشن است در وضعیت موجود اگر به جای سالانه ۱۷ هزار نفر، ۷۰۰ هزار نفر هم در تصادف‌ها کشته شوند باز هم اتفاقی نمی‌افتد. چرخ این کارخانه‌ها مثل قبل خواهد چرخید، نمایندگان مثل همیشه با خیال آسوده روی صندلی‌های مجلس جلوس خواهند کرد، وزیر صمت به امور وزارتی مشغول می‌شود و سازمان استاندارد هم روی محصولات تولید شده نشان استاندارد خواهد زد، سازمان محیط‌زیست هم با آنها همراهی خواهد کرد و مأموران پلیس باید کف جاده و خیابان شاهد مرگ و سوختن اجساد مردمی باشند که به دلیل غفلت همین مدیران قربانی می‌شوند. حقیقتاً باید روشن شود، چرا سازمان‌های نظارتی مثل سازمان بازرسی کل کشور، مجلس شورای اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام یک‌بار برای همیشه به این موضوع ورود نمی‌کنند و از مردمی که این‌گونه در تصادف‌ها نابود می‌شوند، دفاع نمی‌کنند و حرف رئیس پلیس راهور که در دفاع از مردم گلویش را پاره می‌کند نمی‌شنوند که با صراحت تمام می‌گوید: «در حوزه ترافیک با مسائل سهل و ممتنع مواجهیم. سهل است، زیرا می‌دانیم در جاده‌ها، خودروها، عامل انسانی و شرایط محیطی باید چه اتفاقاتی بیفتد که ترافیک خوبی داشته‌باشیم، اما ممتنع هم هست، چراکه به نظر می‌رسد هیچ اراده‌ای برای انجام آن وجود ندارد. ما فریاد می‌زنیم که خودروها باید ایمن باشد، زیرا نقش بسیار مهمی در جلوگیری از تصادفات و حتی حفظ جان افراد پس از تصادفات دارد، اما اتفاقی رخ نمی‌دهد. راه‌های ما باید به گونه‌ای طراحی شوند که قادر باشد خطای راننده را جبران کند و بخشنده باشد نه اینکه خطای آن را چند برابر کند.»

■ **بی‌نظمی ترافیکی**

سردار تیمور حسینی که در همایش بین‌المللی مدیریت ایمنی و ترافیک که سخن می‌گفت، ادامه داد: «وقتی از ترافیک صحبت می‌کنیم، منظورمان سیستمی است که با زندگی انسان‌ها سروکار دارد و همه ما فارغ از هر مسئله‌ای، کاربر این سیستم هستیم و به همین دلیل می‌توانیم به شدت بر آن تأثیر بگذاریم و از آن تأثیر بگیریم، بنابراین باید به این سیستم توجه ویژه‌ای شود. مسئله ما در شهرهای بزرگ فقط حجم ترددها نیست. ترافیک ما سنگین و نامنظم است، ولی در دنیا اینجوری نیست. مردم از بی‌نظمی بیشتر از ترافیک خسته و آزرده‌می‌شوند. مشکل ترافیک ما بی‌نظمی است و باید منظمش کنیم.» رئیس پلیس راهور فراجا با تأکید بر اینکه ما باید با کلام علمی با مردم صحبت کنیم، گفت: مثلاً مردم باید بدانند که اگر در یک محور سرعت ۹۰ کیلومتر است و آنان ۱۲۰ کیلومتر هم بروند در گلوگاه‌های جلوتر گیر می‌کنند و زمانشان بیشتر تلف می‌شود و ما این را باید با زبان علمی به مردم توضیح دهیم. اگر پلیس این حرف‌ها را بزند، شاید مردم گوش نکنند، اما اگر از زبان علمی با مردم صحبت شود، آنها باور و عمل می‌کنند.

متهم: می‌خواستم مقتول را تحویل پلیس بدهم که حادثه اتفاق افتاد

■ **آرمین بینا**

مرد مغازه‌داری که در درگیری، شاگرد مغازه‌اش را به قتل رسانده است، در بازجویی مدعی شد مقتول به یکی از اعضای خانواده‌اش تعرض کرده و می‌خواسته او را به پلیس تحویل بدهد که درگیری مرگبار رخ می‌دهد.

ساعت ۲۳ شامگاه دوشنبه ۲۴ اردیبهشت‌ماه، مأموران کلانتری ۱۵۹ بی‌سیم تلفنی قتل پسر جوانی را به قاضی حسین گودرزی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران خبر دادند. مأموران اعلام کردند مقتول ساعتی قبل در یکی از خیابان‌های اطراف میدان خراسان با صاحب‌کارش درگیر و به شدت زخمی می‌شود، اما پس از انتقال به بیمارستان بر اثر شدت خونریزی به کام مرگ می‌رود.

■ **کارگر سوپرمارکت**

با اعلام خبر قتل، بازپرس جنایی همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی به بیمارستان رفتند و در آنجا با جسد پسر ۲۵ ساله‌ای به نام مسعود روبه‌رو شدند که با ضربه چاقو به قتل رسیده بود.

تحقیقات نشان داد مقتول کارگر سوپرمارکتی در نزدیکی یکی از خیابان‌های محل حادثه بوده و لحظاتی قبل رهگذران شاهد درگیری او با صاحب‌کارش که مرد ۳۴ ساله‌ای به نام فرزاد است، بوده‌اند. پس از حادثه صاحب‌کارش پیکر زخمی او را برای درمان به بیمارستان منتقل می‌کند، اما تلاش تیم پزشکی نتیجه نمی‌دهد و مسعود فوت می‌کند. همچنین مشخص شد قاتل در محل حادثه خودش را تسلیم پلیس و در بازجویی‌های اولیه ادعا کرده مقتول به یکی از اعضای خانواده‌اش تعرض کرده، به همین دلیل او را دستگیر کرده و می‌خواسته به پلیس تحویل بدهد که درگیری با او این اتفاق تلخ رخ داده است.

■ **پشیمانم**

متهم صبح دیروز برای بازجویی به دادسرای امور جنایی منتقل شد و با اظهار پشیمانی به قتل اعتراف کرد. وی گفت: «مقتول شاگرد مغازه‌ام بود، اما به من خیانت و به یکی از اعضای خانواده‌ام تعرض کرد. من قصد کشتن او را نداشتم، اما مسعود با من درگیر شد و در جریان آن با ضربه چاقوی من به قتل رسید.»

متهم ادامه داد: «من هیچ سابقه کیفری ندارم و همیشه سرم به کار خودم بوده و تلاش می‌کردم که زندگی آرامی داشته باشم و حتی سابقه حضور در کلانتری را هم ندارم. مقتول از دو سال قبل به عنوان کارگر در مغازه سوپرمارکتم کار می‌کرد. من به او اطمینان داشتم، به همین دلیل گاهی خرید خانه را به او می‌سپردم. چند روز قبل از حادثه مقداری وسایل به او دادم تا به یکی از اعضای خانواده‌ام برساند. آن روز او وسایل را به خانه ما برد و دوباره به مغازه برگشت، اما متوجه شدم او همان روز به زور و تهدید چاقو به یکی از اعضای خانواده‌ام تجاوز کرده است. این موضوع را یکی از همسایه‌ها به من گفت. او گفت آن روز که مسعود وسایل را به خانه ما برده، متوجه سروصدا از خانه شده و بعد هم دیده که مسعود سراسیمه و وحشت‌زده از خانه ما فرار کرده است.

پس از آن کنجکاو شدم و از مسعود درباره آن روز سؤال کردم، اما او گفت اتفاقی نیفتاده تا اینکه متوجه رفتارهای غیرعادی یکی از اعضای خانواده‌ام شدم، چون گوشه‌گیر و افسرده شده بود و همیشه احساس ترس داشت، به‌طوری که جرئت نداشت از خانه بیرون برود. وقتی از او سؤال کردم ابتدا چیزی نگفت، اما وقتی اصرار کردم به من گفت که آن روز وقتی مسعود وسایل را به خانه آورد با تهدید چاقو آزارش داده و بعد هم تهدید کرده که اگر موضوع را به من بگوید همه ما را می‌کشد. وقتی این حرف‌ها را شنیدم، خیلی عصبانی شدم و تصمیم گرفتم از او انتقام بگیرم، اما بعد تصمیم گرفتم او را به پلیس معرفی کنم تا طبق قانون مجازات شود، چون متوجه شده بودم که مجازات تجاوز اعدام است، به همین دلیل هم می‌خواستم به زودی او را به پلیس تحویل بدهم.»

■ **اولین جرم**

وی ادامه داد: «آن شب مسعود به مغازه آمد و گفت می‌خواهد تسویه‌حساب کند و پیش پدرش برود. او گفت پدرش سکته کرده و به او نیاز دارد، اما فهمیدم که او متوجه شده من قصد دارم او را به پلیس معرفی کنم، به همین دلیل به مسعود گفتم من به تو بدهی ندارم و باید با هم به اداره پلیس برویم و آنجا تسویه‌حساب کنیم. می‌خواستم به این بهانه او را به پلیس تحویل بدهم. به زور مسعود را سوار خودرو کردم، اما در میانه راه از خودرو پیاده شد و فرار کرد. او را تعقیب کردم و وقتی به او رسیدم با هم درگیر شدیم. خیلی عصبانی بودم و به صورت اتفاقی او را با چاقو زدم. قصد قتل نداشتم و اولین جرمی بود که به صورت اتفاقی مرتکب شدم.»

متهم پس از اعتراف به دستور بازپرس جنایی برای تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

قاتل دختر ۱۵ ساله آزاد شد و به جامعه برگشت

■ **غلامرضا مسکنی**

بهلول، قاتل پرونده جنجالی شیما، دختر ۱۵ ساله که پنج سال قبل در دام شیطانی او گرفتار شده و به قتل رسیده بود، پس از گرفتن رضایت از اولیای دم شامل عفو و از زندان آزاد شد.

اوایل مردادماه ۹۸، مردی در تهران به اداره پلیس رفت و از گم شدن دختر خوانده‌اش به نام شیما شکایت کرد.

وی گفت: «شیما صبح برای انجام کاری از خانه بیرون رفت و دیگر به خانه بازنگشت. نگرانش بودیم و برای پیدا کردنش به جست‌وجو پرداختیم تا اینکه از شماره ناشناسی با تلفن مادرش تماس گرفت و گفت دوست ندارد به خانه برگردد. هر چقدر التماس کردیم، فایده‌ای نداشت و تلفن را قطع کرد.» با شکایت مرد میانسال، تیمی از کارآگاهان پلیس آگاهی برای پیدا کردن دختر نوجوان تحقیقات خود را آغاز کردند. مأموران پلیس در نخستین بررسی‌های فنی دریافتند شیما آخرین تماس خود را از مغازه‌ای در ترمینال آرژانتین گرفته و پس از آن هم ناپدید شده است. بررسی دوربین‌های مداربسته نشان داد وی آخرین بار روی یک صندلی داخل ترمینال نشسته و پس از آن به طرف در خروجی رفته و به مردی نزدیک شده و از آن لحظه به بعد هم از دید دوربین‌ها خارج می‌شود.

■ **اولین بازداشت**

در حالی که تحقیقات پلیس به بن‌بست رسیده بود، اما آنها بررسی‌های تخصصی خود را ادامه دادند تا اینکه به ردپای مرد مسافرکشی به نام بهلول رسیدند. مأموران دریافتند بهلول، راننده مسافرکشی است که همیشه با خودرویش در اطراف ترمینال می‌چرخد و مسافر سوار می‌کند و روز حادثه هم شیما آخرین بار با او دیده شده است.

با به دست آمدن این اطلاعات، بهلول بازداشت شد، اما در بازجویی‌ها ادعا کرد آن روز دختر ۱۵ ساله را به عنوان مسافر سوار خودرویش کرده و در یکی از خیابان‌های اطراف نظام‌آباد پیاده کرده است. بدین ترتیب وی با دستور قضایی آزاد و برایش قرار منع تعقیب صادر شد.

■ **درخواست از رئیس قوه قضائیه**

از سوی دیگر مأموران پس از آزادی مظنون هیچ ردی از شیما پیدا نکردند تا اینکه پدرخوانده و مادرخوانده شیما با انتشار کلیپی از رئیس قوه قضائیه برای پیدا کردن دخترخوانده‌شان درخواست کمک کردند. بدین ترتیب با دستور رئیس قوه قضائیه رسیدگی به این پرونده دوباره سرعت گرفت و از آنجایی که تحقیقات پلیسی حکایت از آن داشت تنها مظنون این حادثه بهلول است، مأموران دوباره او را بازداشت کردند و مورد بازجویی قرار دادند.

■ **۱۶ ماه بعد**

متهم در تحقیقات برای فریب مأموران اظهارات ضدونقیضی را مطرح می‌کرد تا اینکه مأموران در بازرسی از خانه او و محل‌هایی که به آنجا رفت و آمد داشت، دلایل و مدارکی را به دست آوردند که نشان می‌داد او مدتی شیما را در خانه‌اش زندانی کرده و او را مورد آزار و اذیت قرار داده است. با اطلاعات به دست آمده، سرانجام ۱۶ ماه بعد از حادثه، بهلول به قتل شیما اعتراف کرد. متهم ابتدا مدعی شد جسد را در شهرستان کلیبر استان آذربایجان دفن کرده، اما وقتی مأموران جسد را پیدا نکردند، مجبور به اعتراف شد و اعلام کرد جسد را در حیاط خانه صاحبخانه‌اش دفن کرده است.

متهم گفت: «شب حادثه شیما سوار خودرویم شد و به خانه‌ام آمد. او معتاد به مواد بود و از من می‌خواست برایش مواد تهیه کنم. مدتی او در خانه من بود و وقتی بیرون می‌رفتم درها را به رویش قفل می‌کردم. یکی از روزها با هم درگیر شدیم که شیما را با شال گردنش خفه کردم. سپس جسد او را در حیاط صاحبخانه‌ام دفن کردم.»

با اعتراف متهم و کشف جسد، پدر و مادر اصلی شیما شناسایی شدند. آنها ابتدا برای متهم درخواست قصاص کردند، اما مدتی بعد با گرفتن دیه رضایت دادند. بنابراین متهم در دادگاه به هشت سال حبس محکوم شد تا اینکه مدتی قبل وی درخواست عفو داد. درخواست عفو وی پذیرفته شد و بهلول، قاتل جنجالی شیما چند روز قبل از زندان آزاد شد.

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان
۸۸۵۴۵۴۸۸
تلفنی آگهی می‌پذیرد

امور مشترکین و توزیع روزنامه جوان
۸۸۴۹۸۴۷۵

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه فاطمه نهاوندی به وکالت از محمد مهدی نهاوندی برابر وکالت‌نامه ۱۶۸۱۷ مورخه ۱۳۹۶/۱۱/۱۸ دفترخانه ۱۰۴۴ تهران به انضمام دو برگ استشهادیه گواهی امضا شده منظم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه و مدعی است که سند مالکیت سه دانگ مشاع از شش دانگ پلاک ۳۵۵۴ فرعی از ۱۹۱ اصلی بخش ۱۰ مشهد به علت سهل انگاری (جابجایی) مفقود گردیده است. با بررسی سیستم جامع املاک معلوم گردید. مالکیت محمد مهدی نهاوندی فرزند ابوالقاسم شماره شناسنامه ۱۰۶۷ تاریخ تولد ۱۳۴۹/۰۲/۳۰ صادره از تهران دارای شماره ملی ۰۰۵۶۲۳۹۸۲۳ با جز سهم ۳ از کل ۶ بعنوان مالک سه دانگ مشاع از شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۵۵۱۱۴ تاریخ ۱۳۸۶/۰۷/۲۹ سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۸۰۳۲۲ سری سال که در صفحه ۲۷۸ دفتر املاک جلد ۱۴۸۸ ذیل شماره ۲۴۳۲۹۸ ثبت گردیده است لذا به استناد مفاد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی و متذکر می گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد بایستی ظرف ده روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم اعتراض در مهلت مقرر و یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.

م الف: ۱۱۲۳

هادی ریحانی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۶ مشهد

آگهی تغییرات شرکت سهامی خاص حمل و نقل داخلی و بین المللی جوان سیر ایثار به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۷۵۷۳۵ و شماره ثبت ۸۲۹۵۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۴۰۲/۱۱/۱۰ و مجوز شماره ۲۴۱۲۰۳۱۴۵۹ مورخ ۱۴۰۳/۰۱/۱۴ سازمان هواپیمائی کشوری و تاییدیه شماره ۱۴۰۲/۱۲۶/۱۷۹۳۹ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۱۹ اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان تهران و مجوز شماره ۱۴۰۲/۱۷/۲۰۳۰۲ مورخ ۱۴۰۲/۰۱۲/۲۱ مدیریت حج و زیارت استان تهران و مجوز شماره ۱۱/۸۴۶۰۲ مورخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۰ اداره کل راه داری و حمل و نقل جاده‌ای استان تهران تصمیمات ذیل اتخاذ شد سرمایه شرکت از مبلغ ۶۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۹۹۹۹۷۲۰۰۰ سهم ۱۰۰۰ ریالی با نام عادی و ۲۸۰۰۰ سهم بی نام ۱۰۰۰ ریالی که تماما از محل سود انباشته افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل و امضا گردیده است.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۱۷۱۷۱۷۷)

آگهی فقدان سند مالکیت

نظر به اینکه حسن آسوده برابر وکالت نامه ۵۱۸۴۰ مورخه ۱۴۰۲/۱۲/۰۳ دفترخانه ۱ بجنورد به وکالت از محمد مهدی ابراهیمی به انضمام دو برگ استشهادیه گواهی امضا شده منظم به تقاضای کتبی جهت دریافت سند مالکیت المثنی نوبت اول به این اداره مراجعه و مدعی است که سند مالکیت شش دانگ پلاک ۱۳۴۴۷ فرعی از ۱۸۳ اصلی بخش ۱۰ مشهد به علت سهل انگاری (اسباب کشی) مفقود گردیده است با بررسی سیستم جامع املاک معلوم گردید مالکیت محمد مهدی ابراهیمی فرزند مجتبی شماره شناسنامه ۸۱۲۰ تاریخ تولد ۱۳۶۰/۷/۱ صادره از جاجرم دارای شماره ملی ۰۷۵۹۳۷۳۹۴۹ با جز سهم ۶ از کل سهم ۶ به عنوان مالک شش دانگ عرصه و اعیان با شماره مستند مالکیت ۱۹۶۵۰ تاریخ ۱۳۹۰/۰۹/۰۳ دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱ شه بجنورد استان خراسان شمالی، موضوع سند مالکیت اصلی به شماره چاپی ۲۸۷۹۱۰ سری سال که در صفحه ۲۳۹ دفتر املاک جلد ۱۰۰۷ ذیل شماره ۱۷۹۱۹۰ ثبت گردیده است. محدودیت: محدودیت دفتر املاک: رهنی شماره ۱۹۶۵۱ مورخ ۱۳۹۰/۰۹/۰۳ دفتر اسناد رسمی شماره ۱ شهر بجنورد استان خراسان شمالی که به نفع بانک کشاورزی مرکزی بجنورد به مبلغ ۳۸۵۰۰۰۰۰۰ ریال ثبت شده لذا به استناد مفاد ماده ۱۲۰ آیین نامه قانون ثبت مراتب یک نوبت آگهی متذکر می گردد هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله انجام داده یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود باشد بایستی ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی اعتراض کتبی خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله به این اداره تسلیم نماید بدیهی است در صورت عدم اعتراض در مهلت مقرر یا وصول اعتراض بدون ارائه سند مالکیت یا سند معامله رسمی نسبت به صدور سند مالکیت المثنی و تسلیم آن به متقاضی اقدام خواهد شد.

م الف: ۱۱۲۴

هادی ریحانی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه ۶ مشهد